

تابو و آنیمیزم

انسانهای ابتدایی در داخل کلیه اشیاء و موجودات یک قدرت فوق العاده میشناختند و گاهی به علت ترس از آنها دوری می جستند و تصور میکردند که اگر آن شی را لمس کنند گرفتار مصیبت خواهند شد. این شی که قوه نهانی و مرموز دارد، علما جامعه شناسی آن را تابو نامیده اند. این کلمه از زبان مردم اهل پولینزی اقتباس شده و در بیشتر جوامع گذشته برای اشیایی که لمس کردن آن خطرناک بوده بکار می رفته است. مردم پولینزی اعتقاد داشتند که در هر تابو قوه مرموز و خطرناکی وجود دارد که آنرا مانا مینامیدند. تابو در اقوام مختلف اشکال مختلف داشته: انسان - جسد مرده - آدم غریب - رئیس قبیله - خون و بعضی حیوانات. تابو دو نوع بوده است:

۱. اشیاء ناپاک و خبیث

۲. اشیاء پاک و مقدس

علما جامعه شناسی ریشه و رسوم و آداب اخلاقی را در تابوهای مختلف جستجو کرده و اجتناب از آنها را پایه بسیاری از اختلافات دانسته اند که هنوز آثار آن در میان بسیاری از جوامع امروزی دیده میشود. حرمت این تابوها بمرور زمان به مسائل حرام و حلال منتهی شده است. بیشتر قبایل خون و خونریزی را تابو میدانسته اند و بسیاری از آنها ریختن خون و کشتن اقوام و نزدیکان را حرام می شمردند و اگر مرتکب قتل میشدند، عقیده داشتند که از آن قوه مرموز و مخفی یعنی مانا زحمت و آزار خواهند دید.

اعتقاد به نفوذ ارواح شریب در جسد مریض و بردن طفل تازه دنیا آمده از طرف یک موجود خیالی آل یا شنیدن آوازهایی از غیب یا دیدن اشیای خیالی در تاریکی در نزد بیشتر ملل به صور گوناگون وجود دارد.

توتیمیزم احترام به بعضی از نباتات یا حیوانات و موجودات زنده یکی دیگر از اندیشه های انسان ابتدایی است. هر قبیله برای یک درخت یا حیوان خاص احترام زیادی قائل بود و آنرا نگهبان قبیله خود میدانسته است.

کلمه توتیم از زبان سرخ پوستان آمریکایی گرفته شده و هنوز هم قبایل سرخ پوستان آمریکا حیوان یا درختی را بعنوان توتیم با علامت و نشان قبیله خود مشخص می کنند.

در عصر حاضر نیز بسیاری از افکار و عقاید ملل متمدن امروزی از بقایای توتیمیزم گذشته است، شاید بتوان گفت که شکل حیوانات بصورت خالکوبی در روی بدن انسان اقتباس از آداب مردم ابتدایی است.

ضمن بررسی آداب و رسوم مردم متمدن امروزی، مشاهده میکنیم که هنوز ستایش بعضی از گیاهان و جانوران وجود دارد، از جمله نقوش حیوانات یا نباتاتی که بعضی ملل برای نقش پرچم های خود انتخاب میکنند ::

در شاهنامه به پرچم های مختلف ایرانیان قدیم اشاره شده که هر یک از طوایف روی پرچم خود تصویر شیر ، گِگ ، اژدها ، فیل و شیر را میکشیدند .

امروز هم روی پرچم بعضی از کشورها نقش حیوانات دیده می شود ، مثل عقاب روی پرچم آلمان ، فیل روی پرچم تایلند ، آفتاب روی پرچم ژاپن و شیر روی پرچم سیلان ، که از آثار توتیمیزم گذشته است .

در ایران در میان روستائیان ساده دلان ، ستایش نباتات که در آنها اثر خیالی یا نوری تصور کرده اند وجود دارد و بر شاخه های آن قطعات پارچه میبندند و از آن درخت حاجت خود را میطلبند و اعتقاد دارند هر کس آن درخت را قطع کند گرفتار کیفر غیبی خواهد شد از آثاری که در حفريات بدست آمده است ، بسیاری از حیوانات و نباتات که در ابتدا بصورت توتیم بوده ، کم کم مقام خدایی پیدا کرده اند و در حال حاضر هم ستایش گاو ، مار ، بوزینه ، فیل هنوز هم مورد پرستش هندوان است .

آنیمیزم

قبلا هم گفتم که انسان ابتدایی این تصور را داشت که دنیا پر از موجودات و اشیا نامرئی است که او را از هر سو احاطه کرده است و همین افکار مقدمه پیدایش اعتقاد به اشباح موهوم ، مثل جن و پری همزاد و غول و دیو ، شیطان و نظایر آن گردیده ، که همه میراث افکار انسانهای گذشته است .

اصطلاح آنیمیزم که از لغت آنیما گرفته شده به معنی روح و روان است و عبارت از این عقیده است که در هر چیز و هر جسم روحی نهفته است . میتوان گفت که ایمان به وجود ارواح بعد از مرگ و فنای جسم و اعتقاد به بقای روح که در تمام مذاهب وجود دارد ، از بقایای عقاید انسان گذشته است . همچنین اعتقاد به تناسخ یعنی انتقال روح از جسمی به جسم دیگر از اعتقادات انسانهای ابتدایی است .

اولین اندیشه آنیمیزم از دیدن دیگران در خواب ناشی شده و صورتهایی که در عالم خواب به نظر انسان آمده است ، او را به وجود موجودات ناپیدایی معتقد ساخته است و عاقبت این اعتقاد پیدا شده است که هر انسان دارای روحی است که در موقع خواب موقتا از بدن خارج میشود و بعد از مرگ در عالم ارواح باقی میماند و یا در هر جسم دیگری حلول پیدا میکند .

اقوام ابتدایی وجود روح را مخصوص انسان نمیدانستند بلکه موجودات نباتی و حیوانی حتی جمادات را مخفیگاه ارواح میدانستند .

عقیده به موجودات خیالی و اشباح خوفناک در اماکن متروک ، مانند خرابه های عمارات قدیم همه اثر اندیشه آنیمیزم است .

وقتی انسانها کم کم به علت پیدایش بعضی حوادث و عوامل پی بردند ، متوجه گردیدند که بسیاری از عقاید آنها ریشه و پایه علمی ندارد و دور از حقیقت است . به عنوان مثال وقتی متوجه شدند برای اینکه از زمینهای زراعتی محصول بهتر و زیادتر بدست آورند باید

در امر کشت مراقبت بیشتر داشته باشند ، بموقع آبیاری کنند و علفهای هرز را بیرون بیاورند . وقتی به این مرحله رسیدند دریافتند که خدای کشاورزی کاری انجام نمیدهد ، بنابراین او را کنار گذاشتند .

رهبران مذهبی که همیشه اشخاص باهوشی بودند ، برای حفظ موقعیت خود کوشش و سعی میکردند که اطلاعات خود را وسیعتر و عمیقتر سازند تا بتوانند مشکلات مردم را حل نمایند .

کم کم وظایف دینی و انجام آداب و رسوم مذهبی توسعه پیدا کرد و دسته هایی برای اجرای آنها به وجود آمدو به علت توجه و احتیاج مردم ، قدرت نفذ خارق العاده ای پیدا کردند . تاریخ نشان میدهد که روسای روحانی مذاهب ، رقبای نیرومندی برای سلاطین و فرمانروایان بوده و در مقابل تجاوزات آنها بنفع مردم ایستادگی کردند و... عقاید مذهبی به بقا اصول انسانی کمک فراوانی کرده است ولی کم کم که تمدن پیشرفت نموده بین عقاید مذهبی و نظر دانشمندان اختلافاتی پیدا شده است و بهمین جهت بعضی عقیده دارند ، اظهارنظر روسای دینی در مسائل علمی مانع پیشرفت تمدن است و یکی از مسائل مربوط به این موضوع را مخالف علمای یهود با گاليله میدانند .

در ژوئن سال ۱۶۳۳ در زمان پاپ اوربن هفتم گاليله را که نوشته بود زمین حرکت دارد تکفیر و محاکمه کردند و وادارش نمودند برای خلاصی از مرگ توبه نامه امضاء کند .

بهر حال اگر انسانها از دین بگریزند و تمام اصول و عقاید و موازین مذهبی را با شک و تردید بنگرند ، دچار هرج و مرج فکری میشوند و چیزی که خاطر آنها را تسلی بخشد (در این دنیای سراسر ناکامی و رنج) وجود نخواهد داشت و برای فقرا یا حتی ثروتمندان زندگی ، بار سنگینی خواهد بود که غیر قابل تحمل است .وقتی انسان خود را از حمایت و قدرت خدا بی نیاز بداند و تنها به فکر عقل خود متکی باشد و پیروی از اصول ادیان را مایه عقب افتادگی بداند ، سرانجام به جایی خواهد رسید که همه درها را به روی خود بسته میبیند و عقل او در این موقع چاره جویی نخواهد کرد ، ناچار یا با رنج و ناکامی به زندگی خود ادامه میدهد ویا برای خلاصی از ناکامیها و نابسامانیها دست به خودکشی میزند .به عنوان مثال در هنگام مریضی هر کس به خدای خود متوسل میشود و از او کمک میخواهد ،و اعقاد دارد که کسی هست که به او کمک کند و همین امر باعث ایجاد امید در شخص میگردد ، اما اگر فرد به خدا معتقد نباشد مریضی او را از پای در میاورد .این مثال ساده ای از اثر دین در زندگی انسان است . برای همین هر دینی باید مقدس و محترم شمرده شود

سحر و جادو و استفاده از گیاهان که برای شفای بیماران بکار میرفته ، کم کم باعث پیدایش علم طب شده است .